

فصل هفتم

ادبیات داستانی

درس چهاردهم: طوطی و بقال

گنج حکمت: کوزه

درس پانزدهم: درس آزاد (ادبیات بومی ۲)

درس شانزدهم: خیر و شر

روان خوانی: طراران

ادبیات داستانی

داستان‌سرایی و قصه‌گویی پیشینه‌ای کهن دارد. مردم‌شناسان، آغاز پیدایش آن را مربوط به دوره شکار دانسته‌اند. انعکاس این نظریه را در نوشته «سامرست موآم» می‌بینیم: داستان در ظلمت زمانی آفریده شده، وقتی که شکارچی در آن هنگام که خورده و آشامیده بود، برای آنکه ساعات فراغت و استراحت رفقای خود را سرگرم‌کننده سازد، حادثه عجیب و غریبی را که شنیده بود، در کنار آتش غار تعریف می‌کرد. تا همین امروز در شهرهای مشرق زمین مردنقالی را می‌بینید که در بازار نشسته است و حلقه‌ای از شنوندگان مشتاق دور او جمع شده‌اند و به حکایاتی که از دوران‌های دور به ارث برده است، نقل می‌کند و دیگران گوش می‌دهند.

ادبیات داستانی در معنای جامع آن، به هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه واقعی و تاریخی‌اش برجسته‌تر باشد، گفته می‌شود؛ از این رو ظاهراً باید همه انواع خلافت آثار ادبی را در بر بگیرد، چه نظم و چه نثر، اما در عرف نقد امروز به آثار روایتی خلافت منثور، ادبیات داستانی می‌گویند. این اصطلاح کلاً به آن دسته از آثار روایتی اطلاق می‌شود که جنبه خلافت آن‌ها بر واقعیت غلبه دارد و شامل (قصه) داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و رمان کوتاه می‌شود. موضوع‌های مورد توجه ادبیات داستانی معمولاً تخیلی و ساخته و پرداخته یک ذهن خلاق است و به بیان امور حقیقی یا حقایق تاریخی نمی‌پردازد، اما چنانچه درونمایه یک قالب ادبی از حقایق تاریخی با واقعیت‌های دیگر مایه گرفته باشد، معمولاً آن را با عنوان داستان تاریخی یا عباراتی نظیر اینها مشخص می‌کند. مهم‌ترین ویژگی ادبیات داستانی جنبه خلافت و نوآوری آن است که می‌توان به کمک آن حتی وقایع مستند تاریخی تاریخ بیهقی را هم به صورت داستان و ادبیات داستانی بازآفرینی کرد و با هنرمندی آنها را به صورت قصه و حکایت و رمان و داستان بلند و داستان کوتاه بیان کرد.

لغت داستان در زبان فارسی به معنی قصه، حکایت، افسانه و سرگذشت به کار رفته است. داستان در ادبیات، اصطلاحی عام به شمار می‌رود که از یک سو شامل صور متنوع قصه می‌شود و از سوی دیگر انشعاب‌های مختلف ادبیات داستانی از قبیل داستان کوتاه، رمان، داستان بلند و دیگر اقسام این شاخه از ادبیات خلاق را در بر می‌گیرد. به معنی خاص داستان، نقل واقعه‌ای است که به نحوی تابع توالی زمان باشد. به تعریف دیگر، داستان توالی حوادث واقعی و تاریخی یا ساختگی است. «داستان نقل وقایعی است به ترتیب توالی زمان مثل ناهار پس از چاشت و سه‌شنبه پس از دوشنبه و تباهی که پس از مرگ می‌آید. (ر. ک: کتاب «انواع ادبی»، سیروس شمیسا و «جنبه‌های رمان» نوشته ادوارد مورگان فورستر نویسنده انگلیسی، ترجمه ابراهیم یونسی)

در زبان فارسی انواع گوناگون داستان هر یک نامی جدا و خاص ندارد و کلمات داستان، و قصه، حکایت، مثل و تمثیل، اغلب مترادف یکدیگر به کار می‌رود.

انواع داستان‌های کهن از نظر موضوع و سبک، بر حسب انواع ادبی، عبارت‌اند از :

- عاشقانه (غنایی) : ویس و رامین؛
- عرفانی : منطق الطیر عطار؛ اسرار التوحید؛
- حماسی و پهلوانی : شاهنامه فردوسی؛
- حماسه دینی : سیره حمزه یا رموز حمزه
- تراژیک : رستم و سهراب؛
- طنز : حکایات عبید زاکانی؛
- تعلیمی (اخلاق) : حکایاتی از بوستان سعدی؛
- فلسفی : حی بن یقظان؛
- رمزی (سمبلیک) : داستان‌هایی از سهروردی؛
- داستان وهمی و جادویی : مانند حکایاتی که در کتب عجایب المخلوقات آمده است؛
- داستان‌های تمثیلی : کلیله و دمنه؛
- مقامه نویسی : مقامات حمیدی.

درس چهاردهم

طوطی و بقال

نمایه درس

محتوا : نمونه داستان تمثیلی در مثنوی مولوی، پرهیز از ظاهریی، تفاوت انسان‌های خداجو با دیگران

قلمرو فکری

درک و دریافت مفهوم بیت‌ها،
مفهوم‌های مشترک بین بیت‌ها،
مقایسه تمثیل‌های شاعران

قلمرو ادبی

کنایه، تمثیل، جناس (همسان و
ناهمسان)

قلمرو زبانی

واژگان مترادف، املای واژگان،
کاربرد حرف «را»، تحوّل معنایی
واژگان، بسوند «وش»

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با نمونه‌ای از ادبیات داستانی - تمثیلی مثنوی مولوی (علم)
- ۲ تقویت باور نسبت به آموزه‌های تربیتی، اخلاقی و فرهنگی متن درس (ایمان)
- ۳ تقویت نگرش مثبت نسبت به کاربردهای محتوایی درس، در زندگی روزمره (اخلاق)
- ۴ تقویت توانایی خوانش متن درس با لحن و آهنگ مناسب (عمل)
- ۵ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی شعر (تفکر)
- ۶ کاربردهای محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل).

روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش‌سازی طرز تلقی
- روش کارایی گروه
- روش ایفای نقش و ...

رسانه‌های آموزشی : کتاب درسی، کتاب مثنوی، نوار صوتی، عکس، نمایش فیلم‌ها و پویانمایی‌های مطرح از داستان‌های مرتبط با داستان طوطی و بقال، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

پس از داستان شاه و کنیزک، دومین حکایت از دفتر اول «مثنوی معنوی» مولانا، حکایت زیبای «طوطی و بقال» است. در این حکایت مولانا به زیبایی در مورد انسان‌های ظاهربین و کسانی که مقایسه‌های نامناسب انجام می‌دهند، تمثیلی ارائه می‌دهد و سعی می‌کند که این گروه از انسان‌ها را به وسیله این حکایت هوشیار سازد.

طوطی و بقال: دفتر اول مثنوی معنوی، مولوی

قلمرو زیبایی : در این بیت نخست، «را» مفهوم مالکیت دارد. وی را طوطی ای : وی طوطی ای داشت در این کاربرد حرف «را» با فعل «بودن» و مشتقات آن می‌آید. (در اینجا «بود» به قرینه حذف شده) در بیت دوم «سوداگر» : مشتری، خریدار و فروشنده. در بیت هفتم، «ک» در «روزک» پسوند «تقلیل» است و کمی را نشان می‌دهد.

قلمرو ادبی : در بیت ششم، جناس ناهمسان (ناقص) : چرب و ضرب.

ایهام در واژه «گل» : ۱ کچل ۲ گنگ.

در بیت هفتم : کنایه : سخن کوتاه کرد (حرف نزد).

در بیت هشتم : کنایه : ریش بر کردن : پشیمان شدن و افسوس خوردن.

کنایه : زیر میغ شدن آفتاب : از دست دادن، محروم شدن، تیره روز و نگون بخت شدن.

تشبیه : آفتاب نعمت تشبیه نعمت به آفتاب.

در بیت سیزدهم : ایهام تناسب : در واژه «طاس» :

■ نوعی ظرف

■ بی مو (در معنی دوم با کلمه «سر» تناسب دارد).

در بیت هفدهم :

جناس همسان (تام) : ۱ شیر : حیوان درنده ۲ شیر : از نوشیدنی‌ها.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ ابر «میغ»، آسوده «فارغ»، چیره دست «حاذق»، مردان کامل «ابدال».
 - ۲ صدر دکان – سنجش و قیاس.
 - ۳ مصراع اول: را: نشانهٔ متمم یا حرف اضافه است در معنی «به».
 - مصراع دوم: را: نشانهٔ مفعول.
 - ۴ «سوداگران» در گذشته و نیز در متن درس، در معنای «مشری‌ها» و «فروشنده‌گان» بوده است؛ امروزه معنای منفی دارد و معادل بداندیشان و بی‌رسمان و نابه‌کاران است.
 - ۵ «وش» در «خواجه‌وش» پسوند است به معنای «مثل» و «مانند».
- نمونه‌های دیگر: حوروش، ماهوش، پرپوش . . .

قلمرو ادبی

- ۱ ریش برکندن: شدت اندوه و دردمندی.
- زیر میغ رفتن آفتاب نعمت: محروم شدن از نعمت، تباهی و نابودی نعمت.
- ۲ مولانا برای بیان مقصود خود از شیوهٔ تمثیل و بیان حکایت بهره گرفته است. در متن درس، «طوطی»، نماد انسان‌هایی است که شتاب‌زده و براساس ظاهر قضاوت می‌کنند؛ هدف مولانا از بیان این داستان، نکوهش سطحی‌نگری و شتاب‌زدگی در داوری است.
- ۳ جناس ناهمسان (ناقص): چرب، ضرب / هست، دست.
- جناس همسان (تام): شیر – شیر.

قلمرو فکری

- ۱ وجود تفاوت در پدیده‌هایی که در ظاهر شبیه هم هستند. از سنجش و قیاس، بر مبنای ظاهر و نیز سطحی‌نگری باید پرهیز کرد.
- ۲ شناخت افراد بر اساس معیارهای ظاهری و نیز دوستی با انسان‌های بدسیرت و اهرمن خو.
- ۳ شعر مذکور، بر این نکته تأکید دارد که انسان‌ها بر اساس ظرفیت درونی خود، به معرفت و شناخت حقیقت دست می‌یابند؛ معرفت چون خورشیدی تابان است که هر انسانی با توجه به ظرفیت ادراکی و بیش خود آن را کسب می‌نماید؛ این مفهوم را در ابیات صفحهٔ بعد – در داستان طوطی و بقال – نیز می‌توان دریافت:

هر دو گون زنبور خوردند از محل لیک شد ز آن نیش و زان دیگر غسل
هر دو گون آهو گیا خوردند و آب زین یکی سرگین شد و، زان، مشک ناب
هر دو نی خوردند از یک آبخور این یکی خالی و، آن پر از شکر

کنج حکمت (کوزه)

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی (۸۴۰ هـ. ق. در سبزوار - ۹۱۰ ه. ق. در هرات) معروف به مولانا حسین واعظ کاشفی یا واعظ کاشفی، نویسندهٔ پرکار، عالم جامع‌العلوم، منجم، مفسر قرآن، و واعظ تأثیرگذار در عهد تیموریان بود. عمدهٔ شهرت او به واسطهٔ نگارش «مقتل روضة الشهدا» است که در دوران صفویه برای اجرای تعزیه و روضه خوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

«کاشفی» تخلص او بود و از آنجا که به وعظ و نصیحت مردم می‌پرداخت به واعظ مشهور شد. امروزه آثار زیادی از کاشفی بر جای مانده که گواهی برگسترده‌گی دانش و اطلاعات اوست.

هفت اثر مشهور او به زعم «خواندمیر» عبارت‌اند از: جواهرالتفسیر، مواهب علیّه، روضة الشهدا، انوارسهیلی، مخزن الانشا، اخلاق محسنی، و سبعة کاشفیه. بسیاری از آثار کاشفی هنوز تصحیح و منتشر نشده‌اند و از برخی تنها نام و نشانی در مآخذ باقی مانده است. اخلاق محسنی، یکی از آثار برجستهٔ ملاحسین واعظ کاشفی، در حوزه حکمت عملی است که به نام سلطان حسین میرزا بایقرا و پسرش محسن میرزا در چهل باب، با عبارت‌های فارسی روان به نگارش درآمده است.

درس شانزدهم خیر و شر

نمایه درس

محتوا : ارائه داستانی نمادین در قالب نثر معاصر و نظم کهن، نیک کرداری و بد کرداری، چیرگی درستی بر نادرستی

قلمرو فکری

درک متن، برگردان شعر به نثر روان، تناسب معنایی متن با آیات قرآن کریم و مثلها، مقایسه قصه حضرت یوسف (ع) با داستان خیر و شر

قلمرو ادبی

قالب شعری، تشخیص آرایه‌های ادبی در شعر، استعاره

قلمرو زبانی

معنای واژگان، تضاد واژگان، جمله مرکب، کاربرد واژه‌های گزاردن و گذاردن، نقش واژگان در جمله

هدف‌های آموزشی

- ۱ تقویت و رشد باورهای مذهبی و فرهنگی به مدد آموزه‌های متن درس (ایمان)
- ۲ تقویت توانایی خوانش متن درس با لحن و آهنگ مناسب (عمل)
- ۳ تقویت نگرش مثبت نسبت به کاربرت آموزه‌های محتوایی درس، در زندگی روزمره (اخلاق)
- ۴ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی شعر (تفکر)
- ۵ آشنایی با نمونه‌ای از ادبیات داستانی - تمثیلی مثنوی هفت پیکر و داستان‌های دل انگیز (علم)
- ۶ کاربرت آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل).

روش تدریس پیشنهادی

- روش کارایی گروه
- روش ایفای نقش
- روش تدریس روشن‌سازی طرز تلقی و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، کتاب داستان‌های دل‌انگیز ادب فارسی، نوار صوتی، عکس، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

«زهر خانلری» (کیا) در انشای مجموعه «داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی» کوشیده است که در عین مراعات سادگی و روانی، تا آنجا که میسر بوده، شیوهٔ تعبیر متن اصلی را نگه دارد و خصوصیات بیان شاعر و نویسنده را نشان دهد. تشبیهات و استعارات و تعبیراتی که در طی هر داستان آمده غالباً مأخوذ و منقول از متن اصلی است که مورد تلخیص قرار گرفته است. کتاب داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی، شامل داستان بکتاش و رابعه از الهی‌نامه و شیخ صنعان از منطق‌الطیر عطار، ۶ داستان از شاهنامه، خسرو و شیرین، دو داستان از هفت‌گنبد نظامی، همای و همایون خواجوی کرمانی، داستان بختیار بختیارنامه، یوسف و زلیخای جامی، نل و دمن فیض دکنی و داستان عامیانهٔ نه‌منظر خلاصهٔ داستان‌های کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

درنگی در متن

قلمرو ادبی :

- تشبیه : بیابان چون تنوری بود.
- اغراق : آهن از تابش خورشید نرم می‌شد.
- کنایه : دم زدن (سخن گفتن).

* حالی آن لعلِ آبدار گشاد پیش آن ریگ آبدار نهاد

- «آبدار» در مصراع نخست : درخشان. در مصراع دوم : آبدار : دارندهٔ آب. از این رو، جناس همسان(تام) : در دو واژهٔ «آبدار» می‌توان یافت.
- «ریگ آبدار» استعاره از شتر است که آب هم داشت.

*گفت مُردم ز تشنگی، دریاب آشم را بگش به لختی آب

■ کنایه : مُردم ز تشنگی : (از چیزی مردن) کنایه از بی طاقّت شدن، از دست دادن تاب و توان.

■ استعاره : آتش از تشنگی.

■ تضاد : آب و آتش.

* شربتی آب از آن زلالِ چو نوش یا به همت ببخش یا بفروش

■ تشبیه : آب زلال به نوش و شهد، مانند شده است.

■ مراعات نظیر : شربت و نوش و آب و زلال.

*گفت برخیز تیغ و دشنه بیار شربتی آب سوی تشنه بیار

■ جناس ناهمسان (ناقص) : تشنه و دشنه.

■ مراعات نظیر : تیغ و دشنه، آب و شربت و تشنه.

و ...

آگاهی‌های فرامتنی

هفت پیکر از منظومه‌های دلکش ادبیات پارسی است. نظامی، این شاعر خوش قریحه گنجه در سرودن افسانه‌های این منظومه طبع لطیف و ذوق سرشار و خلاق خویش را با جهان‌بینی آرمانی‌اش تجسم بخشیده است. او با توصیف‌های نغز و زیبا و پدیدآوردن مناظری شگرف در مقابل دیدگان خواننده، تبخّرش را در آفرینش صحنه‌های بدیع می‌نمایاند.

روز پنج‌شنبه، که منسوب به سیارهٔ مشتری است، بهرام در گنبد ششم می‌نشیند و شاهزادهٔ بانوی چین، یغماناز، افسانه‌ای را برای او نقل می‌کند. داستان خیر و شر، ششمین داستان هفت پیکر است. این داستان نمادین و تمثیلی است با بیانی شیوا و دلکش که تعالیم اخلاقی و آموزه‌های بشری را به خواننده القا می‌کند. به بیان استاد عبدالحسین زرّین‌کوب : «افسانه‌ای که پنج‌شنبه، دختر پادشاه در گنبد صندلی فام حکایت می‌کند، چنان‌که از حکمت و ظرافت اهل چین در سنت‌های ادبی آن ایام انتظار می‌رود، هم اخلاقی و هم رمزی است. در مقایسهٔ آن با یک قصهٔ کوتاه اروپایی که تحت عنوان «خیر و شر» در مجموعهٔ امثال «دون خوان مانویل» آمده است، نه فقط رنگ پر نور شرقی آن بلکه مفهوم رمزی ژرف‌تری که در جزئیات آن هست، قدرت تخیل شرقی را به نحو بارزی واجد برتری نشان می‌دهد».

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ آبدار - مصراع اول : درخشان - مصراع دوم : دارنده آب.
 همت : جوانمردی، بلندنظری (به همت بیخس یا بفروش).
 همت : خواست، اراده : قصد و اندیشه (کرد همت راه).
- ۲ پاکی : حُبث / بدبخت : مُقبل / غنی : مُفلس.
- ۳ بنیانگذار - خدمت گزار - کارگزاران.
- ۴ الف) ناگهان : قید. // جوانی : مفعول. // خاک : متمم.
 ب) دید : ماضی ساده. // افتاده است : ماضی نقلی. // می نالد : مضارع اخباری. // می خواند : مضارع اخباری.

قلمرو ادبی

- ۱ مثنوی، چون هر بیت، قافیه‌ای جداگانه دارد.
- ۲ ...
- تشخیص : زنده و مرده بودن بخت.
- زنده و مرده : تضاد.
- برده و مرده : جناس ناهمسان (ناقص).
- تکرار واژه (بخت :).
- ۲ الف) آتش در مصراع دوم : استعاره از تشنگی و عطش است.
 ب) چراغ در مصراع دوم : استعاره از چشم است.

قلمرو فکری

- ۱ به قصد ناتوان کردن خیر و تصاحب همه دارایی‌های او؛ چون شر بد گوهر بود و ذات پلیدی داشت، از خیر گران‌بهارترین چیز را درخواست کرد.
- ۲ گوهر اول : سنگ قیمتی (جواهر و لعل). گوهر دوم : خیر.

- ۲ تو مرا کشتی و خدای نکشت مقبل آن از خدای گیرد پشت
- دولتم چون خداپناهی داد اینکم تاج و تخت شاهی داد

۴ از ماست که برماست : گفت : زنهار اگرچه بد کردم در بد من مبین که خود کردم .

■ از کوزه همان برون تراود که در اوست : گفت : اگر خیر هست خیراندیش تو شری جز شرت نیاید پیش .

۵ از هر دو داستان، مفهوم آیه شریفه «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلَّ مِنْ تَشَاءٍ» قابل دریافت است؛ همچنین تقابل خیر و شر، نیکی و بدی و چیرگی خوبی‌ها و زیبایی‌ها بر بدی‌ها و زشتی‌ها از مضامین اصلی آنهاست. حضرت یوسف «ع» و «خیر»، نمادی از انسان‌های نیک‌سیرت هستند و «برادران یوسف» و «شر» نمادی از انسان‌های بدذات و زیاده‌خواه.

کور شدن «خیر» می‌تواند با «در چاه افتادن» حضرت یوسف (ع) و نیز نجات یافتن از چاه با درمان شدن خیر توسط چوپان و دخترش قیاس شود.

در هر دو داستان، اقبال و بزرگی، عاقبت نیک‌اندیشی و خیرخواهی به مشیت الهی است.

روان‌خوانی: طرّاران

فخرالدین علی صفی (۹۳۹-۸۶۷ ه.ق) نویسنده کتاب «لطایف الطوائف» از لطیفه‌پردازان مشهور ایران است. او در قرن‌های نهم و دهم هجری می‌زیست. فخرالدین شعر هم می‌سروده و «صفی» تخلص می‌کرده است. کتاب «رَشَحَاتِ عین الحیات» در شرح حال و معرفی مشایخ و بزرگان نقش‌بندی و کتاب «انیس العارفين» در وعظ و نصیحت از اوست.

لطایف الطوائف کتابی است دلپذیر و خواندنی. این اثر مجموعه‌ای از لطیفه‌ها است و منحصر به شوخی و بذله نیست، بلکه شامل حکایت‌ها و لطیفه‌های کم‌یاب، کلمات، مثل‌ها و روایت‌های مربوط به طبقه‌های گوناگون جامعه است و در چهارده باب فراهم آمده است. به تعبیر استاد غلامحسین یوسفی: روش درست و دقیق مؤلف در تألیف و تقسیم موضوعات، عیناً مانند کتابی است که در قرن بیستم محصول یکی از پیشرفته‌ترین فرهنگ‌های جهان باشد.

توضیحات متن :

- جلاجل : زنگوله‌ها. جُلْجُل، مفرد جلاجل است.
- موضع خالی یافت : مکان را خالی از مردم دید.
- در این کوچه فرو شد : داخل این کوچه شد، به این کوچه وارد شد.
- بر خود منت دارم : احسان شما را بر خود می‌پذیرم.
- تو را چه رسیده است؟ : برای تو چه اتفاقی افتاده است؟؛ چه شد؟
- در این چاه نمی‌توانم شد : نمی‌توانم داخل این چاه بروم.

- آن مرد را ملال گرفت: مرد به ستوه آمد؛ ملول و آزرده شد.
- پاس خود می‌دارم: از خود مراقبت می‌کنم.

درک و دریافت

- ۱ فعالیت دانش‌آموزی؛ به دلیل ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری و بدون تفکر به کاری اقدام کردن.
- ۲ لحن متن، روایی – داستانی است؛ متن‌های داستان که به کمک راوی، روایت و بازگو می‌شود، با لحن روایت‌گونه یا «روایی» باید خوانده شود. البته در اینجا، نویسنده از بیان طنزآمیز نیز برای انتقال مقصود اصلی خود بهره گرفته است.

فصل هشتم

ادبیات جهان

درس هفدهم: سپیده دم

گنج حکمت: مزارشاعر

درس هجدهم: مائده‌های زمینی و مائده‌های تازه

روان خوانی: بینوایان

ادبیات جهان

منظور از ادبیات جهان، ادبیاتی است که مرزهای منطقه‌ای و محلی را پشت سر گذاشته و وارد عرصه بین‌المللی می‌گردد. ادبیات جهان همه آن آثار ادبی را دربر می‌گیرد که به صورت ترجمه یا به زبان اصلی، بیرون از فرهنگ مبدأ خود انتشار می‌یابد. مسائلی که «ادبیات جهانی» را شامل می‌شوند، باید از نوع مسائلی باشند که مردم جهان را به هم پیوند زده و به هم نزدیک کند. برای جهانی شدن، باید مسائل جهانی را مطرح کرد، جهانی اندیشید و جهانی عمل کرد.

«گوته» معتقد بود که «ادبیات جهانی» باید از یک روح فراملی و فرامیهنی سرچشمه گرفته باشد تا این روح فراملی بتواند «ادبیات جهانی» را خلق کند. روحی که در چهارچوب مسائل و مشکلات قومی و محلی اسیر و گرفتار باشد، هرگز نمی‌تواند به مسائل و مشکلات جهانی فکر کرده و راه‌حلی برای آنها بیابد یا «ادبیات جهانی» خلق کند.

یکی دیگر از معانی «ادبیات جهانی» آن است، که ما ادبیات ملت‌های مختلف جهان را برشمردیم. مانند ادبیات فارسی، ادبیات عرب، ادبیات فرانسه، آلمان، اسپانیا، ایتالیا و... یعنی با این کار ما نشان داده‌ایم که فلان قوم یا فلان ملت، چه ادبیاتی دارد. این معنی دیگری است از اصطلاح «ادبیات جهانی». با این تعریف، ادبیات جهانی را می‌توان مجموعه تمام و کامل ادبیات اقوام و ملل جهان در تمام ادوار دانست.

مطالعه ادبیات جهان چند نتیجه سودمند دارد:

الف) چهره‌ها و آثار بزرگ ادبی ملت‌ها، را به یکدیگر می‌شناساند؛

ب) ملت‌ها را با اندیشه‌ها و احساسات یکدیگر آشنا می‌کند و در نتیجه مرزهای احساسات و اندیشه‌ها را

گسترش می‌بخشد؛

پ) تفاوت‌ها و شباهت‌ها و تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها را در آثار ادبی ملت‌ها آشکار می‌سازد.

درس هفدهم سپیده دم

نمایه درس

محتوا : ادبیات جهان (پایداری)، منظومه سمفونی پنجم جنوب، امام حسین (ع)، شهادت، جنوب لبنان

قلمرو فکری

درک بیت‌ها، دریافت پیام‌های متن، مضمون‌یابی

قلمرو ادبی

تشبیه، کنایه، مجاز، نماد، مراعات نظیر

قلمرو زبانی

تناسب، ترکیب وصفی و اضافی، نقش واژگان در جمله

اهداف آموزشی

- ۱ آشنایی با نزار قبانی و سروده «سپیده دم» از منظومه «سمفونی پنجم جنوب» (علم)
- ۲ توانایی مطالعه و خواندن آثار ارزشمند ادبیات جهان با لحن مناسب (عمل)
- ۳ پرورش روحیه بهره‌گیری مناسب از آثار ادبی برجسته جهان (اخلاق)
- ۴ تقویت علاقه نسبت به مقاومت در برابر بیداد (اخلاق)
- ۵ تقویت توانایی مطالعه تطبیقی آثار ادبی و سنجش محتواهای آنها (تفکر)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتواهای متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی شعر (تفکر).

روش‌های پیشنهادی تدریس

- روش تدریس کارایی گروه
- روش تدریس بحث گروهی
- روش تدریس پرسش و پاسخ و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، کتاب شعر سمفونی پنجم جنوب، نوار صوتی، عکس، نمایش فیلم با محتوای مقاومت مردم جنوب لبنان، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و

جستاری در متن

شعر «سپیده دم» از منظومه «سمفونی پنجم جنوب» نزار قبانی انتخاب شده است. واژه سمفونی از ریشه یونانی sym به معنی با هم و phon به معنی صدا گرفته شده است. امروزه این واژه برای اثری به کار می‌رود که برای ارکستر نوشته شده باشد.

«سمفونی پنجم جنوب» شعری است که قبانی آن را برای مقاومت جنوب لبنان سروده است و یکی از مشهورترین منظومه‌های اوست. قبانی در منظومه «سمفونی پنجم جنوب»، جنوب لبنان و مقاومت آن را مورد ستایش قرار می‌دهد و آن را تنها نجات دهنده جهان عرب در کارزار با اشغالگران؛ می‌داند. قبانی در نگاه سیاسی خودش شدیداً از سستی فرمانروایان عرب که فقط به پول و نفتشان فکر می‌کنند، انتقاد می‌کند و شدیداً به اسرائیل حمله می‌کند و مسائل عرب را بیان می‌کند.

در محور طولی این شعر، مضمون‌هایی چند مانند: قیام امام حسین (ع)، مقاومت، پیروزی، آزادی، شهادت، امید و اشاره به امام موسی صدر به چشم می‌آید.

شرح پاره‌هایی از متن

■ تو را «جنوب» نامیدم؛

«جنوب» نماد مقاومت و جنبش؛ از این رو، شاعر آن را خطاب کرده است

■ ای که ردای حسین را بردوش / و خورشید کربلا را در برداری؛

■ قلمرو ادبی: استعاره: خورشید کربلا امام حسین (ع)؛

■ ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی؛

■ قلمرو ادبی: استعاره: گل سرخ (امام موسی صدر)

■ ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین / پیوند خورده‌ای؛

اشاره به این مطلب است که قیام آزادی خواهان لبنان، کاملاً دینی است و آمیخته به ارزش‌های انقلابی و مذهبی است.

■ ای سرزمینی کز خاکت / خوشه‌های گندم می‌روید / و پیامبران برمی‌خیزند.
قلمرو فکری : معنی : ای سرزمین قدس که خاکت، حاصلخیزی و سرسبز است و پیامبران الهی از این سرزمین برخاسته اند.

مصراع دوم به حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین قدس اشاره دارد.
مصراع سوم به این نکته که سرزمین قدس، «زادگاه پیامبران ادیان الهی» است، اشاره دارد.

■ تو را جنوب نامیدم / ای کشتی‌های صیّادی که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای / ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای روزهای عاشورا.
قلمرو فکری : معنی : ای کشتی‌هایی که در کمین دشمن هستید و مقاومت، پیشه شمامست. ای ماهی‌هایی که با مقاومت همگام هستید. ای دفترهای شعری که رسم مقاومت را می‌دانید و پایداری می‌سرایید. ای روزهای عاشورایی! (اشاره به کُلُّ یوم عاشورا وَ کُلُّ ارض کربلا).
مفهوم کلی : تمام عناصر موجود در جنوب لبنان از جمله کشتی‌ها و ماهی‌ها در برابر دشمن مقاومت در پیش گرفته‌اند و همه روزها به عاشورا تبدیل شده است.

■ تو را جنوب نامیدم / تو را آب‌ها و خوشه‌ها / و ستاره غروب نامیدم / تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن / و بیکری در اشتیاق شهادت نامیدم / تو را انقلاب و شگفتی و تغییر نامیدم / تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم.

قلمرو فکری : معنی : تو مظهر حیات و باروری و برکت هستی. تو ستاره فروزان و زودگذر غروب‌ی. تو را سپیده دمی در انتظار برآمدن و انسانی در شوق شهادت نامیدم.
«آب» مظهر حیات و «خوشه» مظهر باروری، رویش و برکت است.
منظور از عبارت «تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن نامیدم» : یعنی پیروزی نزدیک است.

■ تو را جنوب نامیدم / ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران / ای مسافر دیرین بر روی خار و درد
قلمرو ادبی : تشبیه : تو چون سبزه هستی. // دفتر روزگاران : روزگاران به دفتر تشبیه شده.
مجاز : خار، سختی، درد و رنج.

■ ای چون ستاره، فروزان / ای چون شمشیر، درخشان / بگذار بوسه زнім بر شمشیری که در دستان
توست / بگذار گرد و خاک قدم‌هایت را بگیریم / تویی که گواهی تولّد / و گل آزادی مان، هدیه دادی
قلمرو ادبی: تشبیه: تو چون ستاره و شمشیر هستی، گل آزادی. // کنایه: بوسه زدن: احترام
نهادن، تشکر و قدردانی.

قلمرو فکری: معنی: ای کسی که مثل ستاره، فروزان هستی و چون شمشیر، درخشان و بَرزنده
هستی. بگذار به نشانه احترام و قدردانی بر شمشیرت بوسه زнім و غبار کفش‌هایت را پاک کنیم. تو به ما
هویت بخشیدی و آزادی را چون گلی هدیه دادی.

■ ای سرور باران‌ها و فصل‌ها/ تو را عطری نامیدم که در غنچه‌ها خانه دارد / تو را پرستو نامیدم / ای
سرور سروران! / ای برترین حماسه.

قلمرو ادبی: نمادها: باران: حیات، طراوت و پاکی. فصل: دگرگونی. پرستو: پیام‌آور عشق و
آزادی.

قلمرو فکری: معنی: ای سرور پاکی‌ها و تازگی و طراوت، تو عطر پنهان در غنچه‌ها (کودکان
فلسطینی) هستی. تو پیام آور عشق و آزادی هستی.

■ دریا، متنی نیلگون است / که علی آن را می‌نویسد/ و مریم هر شب، روی شن‌ها/ به انتظار مهدی
می‌نشیند/ و گل‌هایی را می‌چیند/ که از انگشتان شهیدان می‌رویند.

قلمرو ادبی: تشبیه: دریا مثل متن است.

قلمرو فکری: معنی: دریای حقیقت مثل متن آبی نیلوفری است که حضرت علی علیه السلام نویسنده آن
است و حضرت مریم هر شب، روی شن‌های ساحل به انتظار حضرت مهدی علیه السلام می‌نشیند و در انتظار
گل‌هایی است که شهدا زمینه‌ساز ظهور آن هستند.

پیام نهایی دو مصراع پایانی: شهیدان زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی و رهایی و آزادی هستند.

متن بالا به موضوع «رجعت» اشاره می‌کند. در اعتقاد شیعه خداوند، هم‌زمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام
شماری از امت محمد صلی الله علیه و آله را پس از مرگشان و پیش از قیامت برمی‌انگیزاند تا آنان حکومت حضرت مهدی علیه السلام
را درک کنند و او را همراهی نمایند.

حضرت علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از جمله رجعت‌کنندگان هستند.

■ تاریخ، روزی، روستای کوچکی را/ از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد/ که «معرکه» خوانده می‌شود./ روستایی که با «صدر»ش؛ با سینه‌اش/ از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد

■ **قلمرو ادبی** : ایهام : واژه «صدر» : ۱ امام موسی صدر ۲ سینه.

■ **معرکه** : ۱ نام روستا ۲ جای هنگامه و کارزار.

■ روستای معروف «معرکه» در جنوب لبنان، زادگاه اجداد امام موسی صدر است.

■ کلمه «صدر» به امام موسی صدر اشاره دارد.

■ در شوره‌زار شهرهایی که طاعون و غبار بر آنها چیره است/ در شهرهای مرگ که باران از باریدن بر آنها بیمناک است/ جز تو، کسی نمانده است/ که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد.

■ **قلمرو ادبی** : تشبیه : شوره‌زار شهر : شهر مثل شوره‌زار است.

■ **تشخیص** : چیره‌شدن طاعون و غبار بر شهرها، بیمناک بودن باران از باریدن بر شهرها.

■ ای سرورم جز تو کسی نمانده که در زندگی ما سرسبزی و خزمی و رونق ایجاد کند.

■ جز تو کسی نمانده است./ مگر تو!/ مگر تو!/ پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای!

■ **قلمرو ادبی** : تشبیه : درهای امید و روشنایی، امید و روشنایی به در تشبیه شده است.

■ «سمفونی پنجم جنوب»، نزار قبانی (۱۹۹۸-۱۹۲۳م)

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ ارجمند : بزرگوار، شریف، انسان و ...
 کرامت : سخاوت، جوانمردی، بخشندگی.

الف) تناسب (ب) مترادف



۲ ترکیب وصفی : متنی نیلگون، برترین حماسه. (متن و حماسه، هسته)
 ترکیب اضافی : ستاره غروب، سرور آزادگان، ماهی دریا. (ستاره، سرور و ماهی، هسته)
 ۳ در : مفعول، / روی : متمم، / ما : مضاف‌الیه.

قلمرو ادبی

۱ ای چون سبزه برآمد بر دفتر روزگاران : تشبیه
 تشبیه «۱» : مشبّه (محدوف) / مشبّه به : سبزه.
 تشبیه «۲» : دفتر روزگاران : مشبّه / روزگاران / مشبّه به : دفتر.
 ■ ای کستی‌های صیادی که مقاومت پیشه کرده‌اید : تشخیص.
 ■ در شوره‌زار شهرهایی که طاعون و غبار بر آنها چیره است.
 تشبیه : شوره‌زار شهرها.
 استعاره : طاعون و غبار.
 ■ بگذار بوسه زینم بر شمشیری که بر دستان توست. کنایه : بوسه زدن بر شمشیر (ستایش ظلم‌ستیزی و تحسین مبارزان).

۲ خاره : مجاز از دشواری‌ها و رنج و سختی‌های راه مبارزه.
 ۳ باران‌ها : نماد طراوت و رویش و شادابی؛ «فصل‌ها» : نماد تحوّل و دگرگونی.
 ۴ انقلاب و تغییر و شگفتی، / امید و روشنایی / نخل و عنب و تاکستان، / پاک و پاکیزه و ارجمند و

توانا.

قلمرو فکری

- ۱ انقلاب مردم لبنان و مبارزات امام موسی صدر، با آرمان‌های پاک و مقدّس و الهی بیوند دارد.
- ۲ بهره‌مندی زنان و دختران لبنان از ثمره خون شهیدان که همانا آزادی است و نیز تأکید بر این نکته که شهیدان، زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام هستند.
- ۳ الف : لبنان. ب) فراوانی برکت و نعمت در لبنان و مقدّس بودن این سرزمین چون خاستگاه پیامبران است.
- ۴ ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی.
- ۵ پیروی از آرمان‌های امام حسین علیه السلام و الگوپذیری از واقعه کربلا. صدر، ادامه‌دهنده راه امام حسین علیه السلام است و نهضت و قیام او حسینی است.

آگاهی‌های فرامتنی

کتاب سمفونی پنجم با مقدمه‌ای درباره «شعر پایداری عرب» و سراینده‌گان آن آغاز می‌شود؛ آن‌گاه ترجمه سروده‌هایی از شاعران عرب فراهم می‌آید که عبارت‌اند از : شاعران سوریه (مانند : نزار قبانی، غاده السمان، محمّد عمران، یوسف الخال، محمّد علی شمس الدّین و شوقی)، شاعران بحرین (قاسم حدّاد، فوزیه السنّدی، حمده خمیس و سعید عوینانی)، شاعران عربستان (ناصر بن احیمد و حسن عبدالله القرشی)، شاعران کویت (سعاد الصباح، صلاح بشیر و حزامه حبایب)، شاعران اردن (مجدی محمّد الراشد و عمر شبابه) و شاعران یمن (سهیل پنجم، احمد ابراهیم السید و عبدالله البردونی).

درس هجدهم مسافر

نمایه درس

محتوا : شناخت جهان آفرین و جهان از نگاه نویسندگان جهانی، مفهوم بی نهایت، شکوه اندیشه، احساس و عقل

قلمرو فکری

پیام‌های متن، تناسب معنایی آیات و شعرهای فارسی با متن‌های درس، درک درون‌مایه متن‌ها

قلمرو ادبی

استعاره، تشبیه، و ارکان آن، شبکه‌های معنایی

قلمرو زبانی

واژگان املائی، قید، ندا و منادا، نشانه‌های نگارشی

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با نمونه‌هایی از افکار و اندیشه جهانی از طریق مطالعه آثار ادبی (علم)
- ۲ تقویت مهارت خواندن متون مشهور ادبی با لحن مناسب (عمل)
- ۳ توانایی تطبیق مفاهیم و ارزش‌های متون ادبیات جهان با ادبیات ایران (تفکر)
- ۴ تقویت نگرش مثبت نسبت به مطالعه آثار برجسته ادبیات جهان و تأمل در مفاهیم آنها (اخلاق)
- ۵ رعایت اخلاق پژوهشی در حوزه زندگی فردی، منطقه‌ای و جهانی (اخلاق)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی شعر (تفکر).

روش تدریس پیشنهادی

- روش پرسش و پاسخ
- روش بحث گروهی
- روش کارایی گروه
- روش تدریس اعضای گروه و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، کتاب مائده‌های زمینی، نوار صوتی، عکس، نمایش فیلم با محتوای بی‌کرانگی آفرینش، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و

آگاهی‌های فرامتنی

«آندره ژید» در سال ۱۸۶۹ میلادی در پاریس به دنیا آمد. خانواده او سخت پایبند به سنت‌های مذهب پروتستان بود و این موضوع تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیت‌اش گذاشت. بروز بیماری در کودکی مانع از تحصیلات منظم او شد، اما علم‌دوستی و فضای فرهنگی خانواده توانست این خلأ را جبران کند. ژید کتاب‌های «سفر به کنگو» و «بازگشت از چاد» را بر ضد استعمار نوشت. او عضو حزب کمونیست شد، اما با برآورده نشدن انتظارات و تمایلات عدالت خواهانه‌اش با نوشتن کتاب بازگشت از شوروی از این حزب کناره گرفت. وی سرانجام در سال ۱۹۵۱ بر اثر بیماری ذات‌الریه درگذشت. او در سال ۱۹۴۷ جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ فعالیت دانش‌آموزی.

۲ فعالیت دانش‌آموزی.

۳ ناتانائیل : منادا؛

تو : متمم؛

انتظار : متمم؛

سخن : مفعول.

قلمرو ادبی

۱ تشخیص : آسمان (انتظار کشیدن به آسمان نسبت داده شده است).

کنایه : رنگ باختن ستاره‌ها / غرق در شبنم بودن؛

اغراق : غرق در شبنم بودن؛

مراعات نظیر : ستاره و آسمان و سپیده دم.

۲ فعالیت دانش‌آموزی

قلمرو فکری

۱ تا آنجا که ممکن است بار بشر را به دوش کشیدن؛ به اعتقاد نویسنده، نوع دوستی و دستگیری از دیگران، مهم‌ترین وظیفه هر انسان است.

۲ به اعتقاد آندره ژید :

- همه پدیده‌های هستی طعم انتظار را می‌چشند.
- بهترین انتظار آن است که به هوس آلوده نشود.
- آدمی باید برای پذیرش هر آنچه تقدیر اوست، آمادگی داشته باشد.
- تنها خداست که نمی‌توان در انتظارش بود؛ زیرا خداوند در همه لحظات با ما و در کنار ماست.
- به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

ارتباط معنایی با متن درس :

هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ نخواستہ باشم تمامی مهرم را تبارش کنم. ای زیبای عاشقانه زمین، شکوفایی گسترده تو دل‌انگیز است.

■ بسوزای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی‌آتش، کسی را بوی عود آمد

ارتباط معنایی با متن درس :

اعمال ما وابسته به ماست؛ راست است که ما را می‌سوزاند، اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد و اگر جان ما ارزش داشته باشد برای این است که سخت‌تر از جان‌های دیگر سوخته است.

■ غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

ارتباط معنایی با متن درس :

- آرزو نکن که خدا را جز در همه جا، در جایی دیگر بیابی.
- خدا در همه جا هست؛ در هر جا که به تصور درآید.
- ناناثیل، آرزو مکن که خدا را جز در همه جا، در جایی دیگر بیابی.
- ۳ خدا در همه جا هست، در هر جا که به تصور درآید و نایافتنی است.
- هر آفریده‌ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست.
- ۴ در هر دو عبارت، بر تغییر نگرش تأکید شده است؛ اینکه آدمی باید از نگاه سطحی پرهیز کند تا بتواند

زیبایی‌ها و بزرگی‌ها را در پدیده‌های هستی و مفاهیم کشف کند.

۵ بهره‌گیری از تجربه در راه معرفت اندوزی؛ لازم است شناخت انسان نسبت به مسائل، عینی باشد و آن را با تمام وجود حس کند. (کسب آگاهی و شناخت به مدد احساس و تجربه).

روان‌خوانی: بینوایان

بینوایان یا به فرانسوی (Les Misérables) نام رمان معروف ویکتور هوگو، نویسنده سرشناس فرانسوی است. این کتاب اولین بار در سال ۱۸۶۲ منتشر شد و یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های قرن ۱۹ است. این رمان با شروع شورش ژوئن در سال ۱۸۱۵ و به اوج رسیدن آن در ۱۸۳۲ در پاریس و تمرکز بر مبارزات محکوم سابقه‌داری به نام ژان والژان و به رستگاری رسیدن او شکل می‌گیرد.

هوگو در این کتاب با بررسی ماهیت قانون و بخشش، تاریخ فرانسه، معماری و طراحی شهر پاریس، سیاست‌ها، فلسفه اخلاق، ضد اخلاقیات، قضاوت‌ها، مذهب، نوع و ماهیت عشق را شرح می‌دهد.

وی به تشریح بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فقر و فلاکت مردم فرانسه می‌پردازد، همان عوامل و محرک‌های اجتماعی که منجر به سقوط ناپلئون سوم شد. انحصار توزیع قدرت و ثروت در دست خانواده فاسد سلطنتی که از مشکلات جامعه فرانسه کاملاً بی‌اطلاع بودند، سبب ایجاد معضلات اقتصادی و اجتماعی در جامعه فقیر فرانسه شد و انقلاب فرانسه ناشی از همین تحولات زیرساخت‌های اجتماعی جامعه فرانسه بود. ویکتور هوگو در خلال پردازش شخصیت‌های داستان و روان‌شناسی آنها، نحوه درگیری و دخالت آنان را در این نهضت اجتماعی نشان می‌دهد.

ویکتور هوگو (۱۸۸۵-۱۸۰۲ میلادی) مشهورترین شاعر رمانتیک قرن ۱۹ فرانسه و از بزرگ‌ترین ادیبان و نویسندگان جهان است. وی مردی آزادمش و آزادی‌خواه و طرفدار جدی اصلاحات اجتماعی به نفع طبقه محروم و رنج دیده بود. از ده سالگی به شعر گفتن پرداخت. در ۲۵ سالگی شاعری سرشناس شد. با وجود سن کم به عضویت فرهنگستان فرانسه درآمد و مدتی نماینده مجلس قانون‌گذاری این کشور بود. هوگو به دلیل مخالفت با ناپلئون سوم ۲۰ سال از زندگی خود را در تبعید به سر برد.

مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از بینوایان، گورپشت نتردام، کارگران دریا و مردی که می‌خندد. کتاب بینوایان هوگو سرگذشت مردم تیره روزی است که با دشواری‌های زندگی روبه‌رو بوده‌اند. بزرگ‌ترین قهرمان این کتاب ژان والژان نام دارد که مدت ۱۹ سال در زندان به سر برد و پس از تحمل سختی‌ها و آوارگی‌ها راه شرافتمندانه‌ای برای زندگی پیدا کرد و کمر به خدمت اجتماع بست.

ویکتور هوگو در سال ۱۸۸۵ بعد از یک دوره بیماری با زندگی وداع گفت و او را در پانتئون آرامگاه بزرگان علم و ادب در فرانسه به خاک سپردند.

نیایش

این عنوان و صفحه نیایش، بر بنیاد همان اندیشه و باور در کتاب درسی، حضور دارد که صفحه و عنوان ستایش، نیز بر آن استوار است. پیوستن آغاز و فرجام هر کار به نام و یاد خدای رحمان، بنیاد باورشناختی دارد و مبتنی بر آموزه‌های دینی ماست. اکنون که به فرجام راه رسیده‌ایم، چونان جلال‌الدین محمد، روی به درگاه حق می‌کنیم و فریاد برمی‌آوریم:

ای خدا، ای فضل تو حاجت روا	با تو یاد هیچ کس نبود روا
منگر اندر ما، مکن در ما نظر	اندر اکرام و سخای خود نگر
چون الف، چیزی ندارم ای کریم	جز دلی دل تنگ‌تر از چشم میم
این همه گفتیم، لیک اندر بسیج	بی عنایات خدا هیچیم، هیچ
بی عنایات حق و خاصان حق	گر ملک باشد، سیاهستش ورق

فهرست منابع

- آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، ضیاء الدین ترابی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۹.
- الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس، بروس جويس و همکاران، ترجمه محمود مهر محمدی و لطفعلی عابدی، سمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- انواع ادبی، شمیسا، سیروس، انتشارات میترا، تهران ۱۳۹۴.
- جنبه‌های رمان، ادوارد مورگان فورستر، ترجمه یونسی ابراهیم، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۹۳.
- درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان، سعید، نشر مرکز، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- روش‌های نوین یاددهی — یادگیری و کاربردهای آن در آموزش، اکبری شلدره، فریدون، قاسم پورمقدم، حسین و علیزاده، فاطمه‌صغری، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، فروزانفر، بدیع الزمان، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- شرح مثنوی شریف، فروزانفر، بدیع الزمان، انتشارات زوار، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۸.
- سبک‌شناسی، بهار، محمد تقی، انتشارات امیر کبیر، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۵۵.
- فارسی (کتاب درسی پایه دهم)، گروه مؤلفان، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵.
- فرهنگ جامع شاهنامه، دکتر زنجانی، محمود، انتشارات عطایی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
- فرهنگ فارسی، دکتر معین، محمد، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۱.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، انتشارات توس، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۴.
- کتاب معلم فارسی نهم (راهنمای تدریس) دوره اول متوسطه، گروه مؤلفان، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳.

- کلیات سعدی، تصحیح فروغی، محمدعلی، انتشارات ققنوس، چاپ ششم، ۱۳۷۰.
- لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، انتشارات مؤسسه لغت نامه دهخدا، تهران.
- مبانی خواندن در زبان فارسی، اکبری شلدره، فریدون، کجانی حصاری، حجت و خاتمی، رضا، انتشارات لوح زرین، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد، استعلامی، محمد، نشر قلم، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۹.
- من زنده‌ام (خاطرات دوران اسارت)، آباد، معصومه، نشر بروج، تهران، ۱۳۹۳.

